منافقین در فرانکفورت کنف شدند

اعضای فرقه منافقین که قصد تعرض به غرفه ملی جمهوری اسلامی ایران را داشتند، امسال در رسیدن به اهداف خود ناکام ماندند. یکشنبه همزمان با آخرین روز از نمایشگاه فرانکفورت، چهارنفر از این افراد دقایقی کوتاه مقابل غرفه ایران تجمع‌کرده و در پی جلب‌توجه و همراهی دیگر افراد حاضر در نمایشگاه بودند اما حضور فوری مسؤولان نمایشگاه کتاب فرانکفورت و پلیس آلمان آنها را ناکام گذاشت و تجمع‌کنندگان در سه دقیقه به بیرون از نمایشگاه منتقل شدند.

گودرزی دبیر جشن بزرگ منتقدان شد

جعفر گودرزی، عضو هیات‌مدیره انجمن صنفی منتقدان و نویسندگان آثار سینمایی ایران، به عنوان دبیر چهاردهمین جشن بزرگ منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران انتخاب شد. به گزارش جام جم، این چهارمین دوره متوالی است که جعفر گودرزی، مسؤولیت دبیری این رویداد را برعهده دارد. گودرزی از مدیران سینما و جشنواره‌های سینمایی و از پیشکسوتان حوزه رسانه و نقد است.

انتظارات استادان و مدیران رسانه‌ای کشور از معاون جدید مطبوعاتی وزارت ارشاد چیست؟

مطبوعات مُرد، از بس که جان ندارد

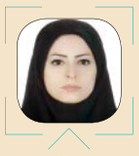

ساناز قنبری

فرهنگ و هنر

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اخیرا در جریان دیدار با اعضای هیأت‌مدیره خانه مطبوعات از «اعمال تغییراتی مهم در مرجعیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاونت امور مطبوعاتی در دولت سیزدهم» یاد کرد؛ خبری که می‌تواند نویدبخش دمیدن هوایی تازه در فضای رسانه‌های مکتوب و مجازی باشد.

پس از انتصاب فرشاد مهدی‌پور به‌عنوان معاون امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، او که خود از چهره‌های رسانه‌ای است و فعالیت در حوزه‌های مختلف کار در رسانه‌ها را تجربه کرده است، از لزوم تغییر در «حکمرانی رسانه‌ای» در وضعیت امروز و جدید رسانه‌ها گفت.

امروزه رسانه‌های ما گرفتار مشکلات عمده‌ای شده‌اند. کیست که در عرصه ژورنالیسم فعال باشد و نداند که چه در بحث کلان و چه در سطح خرد، رسانه‌های خبری کشور نیازمند اصلاحاتی ساختاری و بنیادی و پشتیبانی در کوران مشکلات اقتصادی هستند و باید وزارت ارشاد به کمک رسانه‌ها، کاری کند تا خلل‌هایی که بر روند مرجعیت خبری رسانه‌های داخلی وارد شده، برطرف شود.

از سوی دیگر در مبحث «تولید محتوا» نیز باید مکانیسمی را طراحی کرد تا مطبوعات به جایگاهی مطمئن و قابل اعتماد برای کسب خبر و پژوهش‌های موجز اما کاربردی برسند. در این مسیر البته باید به پرورش نیروهای زبده و کاربلد هم عنایت داشت؛ نیروهایی که پتانسیل بالایی برای تهیه و تولید خوراک خبری و تحلیلی جذاب و مفید داشته باشند و باانگیزه و در کمال صداقت تحقیق کنند و واقعیات را بازتاب دهند. این جنبه از آنجا در میدان تاخت و تاز سلاطین رسانه‌ای بین‌المللی و نیز رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور (با تمام اهداف غرض‌ورزانه و آسیب‌رسان‌شان)، به مطالبه‌ای اساسی از سوی مخاطب هدف بدل شده که جامعه امروز ضرورت دسترسی به اخبار درست را درک می‌کند و مصلحت‌سنجی‌های بی‌مورد را در توجیه پنهان‌کاری به جای خبررسانی یا تحریف در ارائه رخدادها در ازای جذابیت‌سازی جعلی و دروغ‌پروری برنمی‌تابد.

جام‌جم در گفت‌وگو با اصحاب رسانه و مدیران مسؤول نشریات به زوایای مختلف چالش‌های حال حاضر فعالیت‌های خبری، ضروریات تشکیل و تقویت بنگاه‌های مطبوعاتی و لزوم بازآرایی نظام رسانه‌ای کشور می‌پردازد. در این گزارش در پی آن بودیم که بدانیم امروز خبرنگاران و روزنامه‌نگاران چه دغدغه‌ها و مطالباتی دارند و دولت جدید چطور باید تسهیلات لازم را برای شکوفایی بیشتر و احیای مطبوعات فراهم آورد؟

لزوم حضور کارشناسان در بدنه مطبوعات

بیژن مقدم
مدیرمسؤول پایگاه خبری «الف»

مشکلات رسانه‌ها از جهتی، مشکلات عام نیست و از جهتی هست. به عبارت دیگر اگر رسانه‌ها را به‌گونه‌های مختلفی تقسیم کنیم هرگونه‌ای مشکلات خاص به خودش را دارد.

به‌عنوان مثال مطبوعات با عناصری نظیر کاغذ و چاپ و توزیع مواجه هستند که در رسانه‌های آنلاین و سایت‌های خبری چنین عناصری اصلا موضوعیت ندارد اما برخی مشکلات بین تمام رسانه‌ها کلی است؛ مثلا تمام رسانه‌ها از فقدان یک قانون رسانه‌ای مدون رنج می‌برند.

به‌واسطه شیوع ویروس کرونا، مشکلات اقتصادی زیادی برای مطبوعات کشور پیش آمده و رسانه‌ها در مظلومیت روزگار می‌گذرانند. در این شرایط نجابت رسانه‌های کشور مانع پیگیری مشکلات خودشان می‌شود؛ بنابراین واجب است معاون مطبوعاتی پیگیر امور رفاهی روزنامه‌نگاران و سایر مشکلات‌شان باشد.

مطبوعات در جامعه امروز ایران مسیری نزولی را طی می‌کند. البته در گذشته هم حال مطبوعات چندان خوب نبود. در بهترین شرایط کشور، دو سه روزنامه بودند که همگی با هم به یک میلیون تیراژ می‌رسیدند و الان که دیگر این آمار تأسف‌آور شده! البته در این رکود قطعا همه‌گیری کرونا هم بی‌تأثیر نبوده. در این مدت، فاصله‌ای بین مردم و رسانه ایجاد شده که برگرداندن آن به حالت قبل مشکل است.

تحقق مأموریت‌هایی که برای فرشاد مهدی‌پور در جایگاه معاون امور مطبوعاتی تعریف شده زمانبر و مشکل است.

یکی از راه‌های نقد اصولی، حضور کارشناسان در بدنه مطبوعات است. بنابراین باید دوره‌های آموزش روزنامه‌نگاری و سایر رشته‌های ارتباطات را در دانشگاه‌ها گسترش دهیم تا پس از آن بتوانیم پاسخگوی نیاز مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی باشیم.

شرط ماندگاری یک رسانه توجه به نیازهای مردم است. اگر رسانه‌ای صرفا به بازتاب اقدامات و خواسته‌های دولت بپردازد، بولتن خبری می‌شود و در نتیجه مخاطب می‌فهمد و ماندگار نمی‌شود. برای نظارت بر ماندگاری رسانه‌ها آقای مهدی‌پور باید با آینده‌پژوهی کمک‌رسان مطبوعات باشد یا در صورت لزوم آنها را به مسیر جدید چون روزنامه دیجیتال و ... هدایت کند.

معاونت مطبوعاتی وظیفه سنگینی برعهده دارد که امیدوارم با همفکری و مشورت با اهل فکر و همچنین تشکیل کارگروه‌هایی که عمدتا از بدنه رسانه‌هاست به طرح‌های خوبی در این حوزه برسد.

ضرورت تربیت خبرنگاران حرفه‌ای و بین‌المللی

دکتر سیدوحید عقیلی
دانشیار ارتباطات اجتماعی-روزنامه‌نگاری و رئیس پژوهشکده ارتباطات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

کار معاونت جدید مطبوعاتی بسیار مشکل است. این جایگاه حتی نسبت به معاونت در خیلی از وزارتخانه‌ها با مشکلات بیشتری همراه است. به‌عنوان مثال اگر طرحی در حوزه اقتصاد داشته باشیم با ارز و تورم سر و کار داریم، اگر طرحی در وزارت خارجه داشته باشیم با تعاملات بین‌المللی سر و کار داریم و ... اما وظیفه معاونت مطبوعاتی در چارچوب وزارت فرهنگ و ارشاد بغرنج‌تر از اینهاست، به این دلیل که حوزه مطبوعات مشکلات زیربنایی بسیاری از قبیل کاغذ، تیراژ، نیروهای کارآزموده و ... دارد که تا این مشکلات حل نشود، هیچ طرحی عملی نمی‌شود.

ما روزنامه‌نگاران خوبی داریم اما روزنامه‌نگار حرفه‌ای و بین‌المللی خیر. در واقع فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در این حوزه برای مقاصدی که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاونت مطبوعاتی در نظر دارند، کارایی ندارند. آموزش روزنامه‌نگاری باید به سیاستگذاری رسانه‌ای ما مرتبط باشد. یعنی اهم فعالیت روزنامه‌نگاران در ایران باید در خصوص تولید اخبار از حوادث اطراف‌مان باشد. چقدر در عراق، افغانستان، پاکستان، قره‌باغ و ... جا برای تولید خبر داشتیم و از دست دادیم؟ اینها همه سیاستگذاری رسانه‌ای می‌خواهد.

متاسفانه بعضا اخبار و گزارش‌هایی که در خارج از ایران تولید می‌شود، مورد توجه و استناد قرار می‌گیرد؛ چون در داخل خودمان قادر به تولید اخبار نیستیم. این نقیصه دقیقا به عملکرد معاونت مطبوعاتی برمی‌گردد. ما باید به‌قدری خبرنگاران و روزنامه‌نگاران زبده و بین‌المللی داشته باشیم که نحوه تولید خبرشان برای دیگر کشورها هم قابل استناد باشد.

نمی‌توان بدون سیاستگذاری رسانه‌ای (یعنی اهداف و باید و نبایدها) روی حوزه مطبوعات برنامه‌ریزی کرد؛ بنابراین کاری که معاونت مطبوعاتی انجام می‌دهد میان‌مدت و بلندمدت است و در لحظه نتیجه‌اش حاصل نمی‌شود.

تعداد خوانندگان روزنامه‌ها بسیار پایین و شاید حدود ۱۰ هزار نفر در کل ایران باشد اما در فضای مجازی چیزی حدود ۶۰ میلیون یوزر یا کاربر داریم. یعنی ما کشوری هستیم که بیش از آن‌که مخاطب رسانه‌های سنتی داشته باشیم کاربر فضای مجازی داریم اما در ژاپن به اندازه کاربر فضای مجازی، خواننده روزنامه هم وجود دارد. بنابراین معاونت مطبوعاتی باید در افزایش شمارگان مطبوعات و رسانه‌ها و ترغیب افراد جامعه برای مطالعه آنها بکوشد.

گفت‌وگو با سجاد باغ‌شیخی، کارگردان فیلم مستند - داستانی «امیرکبیر در خون» که این روزها در مراحل پایانی فیلمبرداری قرار دارد

خروج قبله‌عالم، ورود امیرکبیر

علی رستگار

سینما

سه اثر نمایشی درباره ناصرالدین‌شاه قاجار و آن برهه تاریخی کم بود که خبر رسیده یک پروژه دیگر هم با این موضوع در راه است و یکی دو ماه دیگر از آن رونمایی می‌شود؛ البته این بار ماجرا کمی متفاوت است و از مقاصد و چشم و همچشمی‌های پلتفرمی شبکه نمایش خانگی و چهره‌های سرشناس خبری نیست و با یک فیلم مستند- داستانی به نام «امیرکبیر در خون» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی سجاد باغ‌شیخی طرفیم که نگاهی تحقیقی و پژوهشی و واقعی‌تر به آن برهه تاریخی به‌ویژه شخصیت امیرکبیر و ماجرای قتلش دارد.

فیلم مستند امیرکبیر در خون چه مسیری را از ابتدا تاکنون طی‌کرده و الان در چه مرحله‌ای است؟

ایده ساخت این مستند از آنجایی پیش‌آمد که متوجه یک خلأ تاریخی از زمان عزل تا شهادت امیرکبیر شدیم که تاریخ هم کمتر به آن پرداخته است. ما تصمیم گرفتیم برای اولین‌بار این خلأ تاریخی را پیدا کرده و به تصویر بکشیم. برای همین یک گروه تحقیقاتی متشکل از دانشجویان و علاقه‌مندان تاریخ را تشکیل و حدود هفت ماه تحقیقات میدانی انجام دادیم. کتاب‌هایی را که درباره امیرکبیر وجود داشت، مطالعه کردیم و بعد با رهنمودهای آقای خسرو معتضد و اسناد موجود به یک جمع‌بندی تاریخی رسیدیم. بعد هم مراحل اولیه فیلمنامه نوشته شد و در خرداد مجوز ساخت این مستند داستانی را از اداره فرهنگ و ارشاد شهرستان کاشان گرفتیم و فیلمبرداری را شروع کردیم. فاز پایانی فیلمبرداری هم در چند روز آینده در کاخ گلستان تهران انجام می‌شود و امیدواریم تا آخر آبان، اولین اکران خصوصی فیلم را داشته باشیم.

نمایش فیلم در کدام مدیوم خواهد بود؛ سینما و اکران هنر و تجربه یا پلتفرم‌ها و شبکه نمایش خانگی؟

هدف و اولویت نمایش فیلم، تلویزیون و اکران آنلاین در پلتفرم‌های نمایش خانگی است اما برای اکران در سینما هم در حال رایزنی با گروه هنر و تجربه هستیم.

منظورتان از خلأ تاریخی در آثار نمایشی است؟ یعنی هیچ‌کدام از فیلم و سریال‌ها و نمایش‌هایی که به شخصیت امیرکبیر و آن برهه تاریخی پرداخته‌اند، نتوانسته‌اند گوشه‌ای از این موضوع را پوشش دهند؟

در آثاری که تاکنون در این زمینه ساخته‌شده، مثل سلطان صاحبقران زنده‌یاد علی حاتمی و امیرکبیر به کارگردانی آقای سعید نیکپور و بخشی از سریال سال‌های مشروطه که به ماجرای امیرکبیر می‌پرداخت بیشتر به اقدامات امیرکبیر توجه کرده‌اند و کمتر به بخش پایانی زندگی امیرکبیر و دسیسه‌هایی که توسط روس و انگلیس و عوامل دست‌نشانده داخلی همچون مهدعلیا و مخصوصا میرزاآقاخان‌نوری پرداخته‌اند؛ یکی از آدم‌های کثیفی که امیرکبیر لقب سگ انگلیس را به او داده و حتی امیرکبیر در زمان صدارت دستور داده بود او را به کاشان تبعید کنند که از پایتخت دور باشد چون می‌دانست میرزاآقاخان‌نوری آدم‌فروش است و اطلاعات داخلی ایران را به سفارتخانه‌های بریتانیا می‌فروشد. آثاری که به امیرکبیر پرداخته‌اند، این فاصله عزل تا زدن رگ دست او در باغ‌فین را سریع طی می‌کنند درحالی‌که این فاصله، زمانی حدودا دو ماه است که ما یک وقفه تاریخی در آن داریم که یک‌سری اتفاقات در شهر کاشان می‌افتد. ما روی این زمان تمرکز کرده‌ایم، همچنین در بعد سیاسی سراغ سفارتخانه‌ها رفتیم چون می‌دانید، اولین سفارتخانه‌های ایران را امیرکبیر در کشورهای همجوار تاسیس کرد. همین‌طور کمی ویژه‌تر به فتنه باغ پرداخته‌ایم.

سهم مستند و داستان در این فیلم چقدر است؟

تقریبا ۶۰ درصد کار داستانی و ۴۰ درصد کار مستند و روایی است که راویان آن آقایان خسرو معتضد و سیف‌ا... امینیان از اساتید حوزه تاریخ هستند.

گویا محمد معتمدی هم در کار حضور دارد؟

بله، آقای معتمدی اجازه داد ما از دو کار قبلی ایشان در این فیلم استفاده کنیم که یکی از آنها جزو آثار کمتر شنیده شده است. نکته قابل‌توجه این‌که به‌جز آقای معتضد، همه هنرمندان فیلم از اهالی کاشان هستند. انگیزه اصلی این کار هم این بود که مردم امروز با این که امیرکبیر متولد اراک بوده او را بیشتر با کاشان می‌شناسند چون یکی از تلخ‌ترین وقایع تاریخ ایران در این شهر و در باغ‌فین رخ داد. از همه مهم‌تر این که پیکر امیرکبیر چند ماه در کاشان مهمان بود و او را در منطقه پشت مشهد کاشان دفن سپس به کربلا منتقل می‌کنند. در این زمینه شما را به کتاب‌های فریدون آدمیت و اقبال آشتیانی ارجاع می‌دهم. ما در فیلم امیرکبیر در خون این قضیه را مفصل‌تر توضیح می‌دهیم و برای اولین‌بار مکان تقریبی دفن را هم به‌نمایش می‌گذاریم.

شما در ابنیه تاریخی کاشان مثل خانه طباطبایی‌ها، خانه بروجردی‌ها، باغ‌فین و حمام تاریخی سلطان امیراحمد و... کار کردید؛ تقریبا همان لوکیشن‌های مهم و تاریخی که چند اثر نمایشی مربوط به امیرکبیر و دوره حکومت ناصرالدین‌شاه هم آنجا

باغ‌شیخی:
موقع کار در ابنیه تاریخی، مراقبت‌ها و ملاحظاتی داشته‌ایم. برای همین پارچه‌های ترمه سبک خریدیم و آنها را با چسب حرارتی به دیوار می‌زدیم تا به‌راحتی کنده شود و آسیبی به بنا وارد نشود

عقیلی:
ما باید به‌قدری خبرنگاران و روزنامه‌نگاران زبده و بین‌المللی داشته باشیم که نحوه تولید خبرشان برای دیگر کشورها هم قابل استناد باشد

یادداشت

ما که گفته بودیم!

آرش شفاعی

دبیرگروه فرهنگی

معاون فرهنگی وزیر ارشاد دیروز از احیای دوباره «بنیاد شعر و ادبیات داستانی» خبر داده و گفته است موافقت‌ها و مجوزهای لازم در این باره از ارشاد اخذ شده است.

اگر در جریان نیستید در جریان باشید که این ادغام همین یکی دو سال قبل و با کلی مصاحبه و ارائه برنامه و بیان محاسن و فواید آن انجام شد و سیدعباس صالحی و محسن جوادی، وزیر و معاون وزیر سابق ارشاد هرجا رفتند دربرابر پرسش خبرنگاران قرار گرفتند که آخر چرا دارید مؤسسه‌ای را که دارد کارش را درست و حسابی انجام می‌دهد، ادغام می‌کنید و آنها هم هزارویک استدلال قانع‌نکننده آوردند و آخرش هم کار خودشان را کردند و ادغام انجام شد.

جالب اینجاست که معاون فرهنگی جدید ارشاد هم البته برای انجام عمل احیا به جای عمل ادغام، استدلال‌هایی دارند از جمله این که تربیت نویسنده و تولید محتوا در حوزه شعر و ادبیات داستانی خیلی مهم است و با این ادغام ادبیات تحت‌الشعاع کارهای اجرایی مؤسسه نمایشگاه‌های فرهنگی و کتاب قرار خواهد گرفت.

باور کنید ما خبرنگاران حوزه ادبیات و کتاب همین مسائل را پیش‌بینی کرده بودیم و هربار از مسؤولان سابق وزارت ارشاد همین‌ها را می‌پرسیدیم و جواب‌هایی که می‌گرفتیم، قانعمان نمی‌کرد و حالا مسؤولان بعد از یکی دوسال آزمون‌وخطا به همان حرف‌های ما رسیده‌اند.

مسؤولان سابق وزارت ارشاد مدعی شده بودند این اقدام به چابک‌سازی و کاهش هزینه‌های ستادی و بازتعریف کارهای پیشین این مؤسسات براساس مقتضیات زمان منجر می‌شود اما حتی یک‌بار به خودشان زحمت ندادند که حرف و دغدغه شاعران و نویسندگان را هم بشنوند و شد آنچه نباید؛ البته شاعران و داستان‌نویسان و اهل‌قلم و فرهنگ خوشبختانه یا بدبختانه به این رفتارها و رویدادها در حوزه شعر و ادبیات عادت دارند. از این تصمیم‌گیری‌های خلق‌الساعه و یک‌شبه درباره ادبیات کم ندیده‌اند و دیگر با این چیزها شگفت‌زده نمی‌شوند. به‌یاد داریم در یکی از نشست‌های پایانی جشنواره شعر فجر، مجری برنامه که خود از اهالی شعر بود وقتی سخنرانی آقای احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور وقت پایان یافت، برای خالی‌نبودن عریضه از او خواست از شعر حمایت بیشتری کند و آقای احمدی‌نژاد ناگهان هیجان‌زده شد، پشت تریبون برگشت و دستور داد معاون ادبیات در وزارت ارشاد ایجاد شود و وزیر هم مجبور شد یک مشاوره‌عالی شعر و ادبیات در وزارتخانه تأسیس کند و یکی از دوستان را به این پست بگمارد که بازدهی چندانی برای ادبیات نداشت چرا که در ساختار وزارتخانه چنین جایگاهی دیده نشده بود. ایجاد بنیاد ادبیات داستانی بعد از ادغام شعر با آن و باز دوباره ادغام آن با مؤسسات دیگر، نمونه‌ای از این تصمیمات یک‌شبه و ناگهانی است.

واقعیت این است که گرچه در سخنرانی‌ها و اظهارنظرهای مسؤولان همیشه بر حمایت ادبیات به‌خصوص شعر تأکید می‌شود و اغلب مسؤولان به‌خصوص نمایندگان مجلس، احساس خودشاعر پنداری دارند، ادبیات در مجموعه نهادهای دولتی به‌خصوص وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بی متولی و غریب بوده و اگر در دوره‌ای هم کار ادبیات رو به سامان بوده، ناگهان مسؤولان دلسوز به یاد هزینه و فایده و چابک‌سازی افتاده‌اند و همین چرخ نیم‌چرخان را هم از حرکت انداخته‌اند. مشکل ادبیات را باید ساختاری و جدی حل کرد و این‌گونه تصمیم‌گیری‌های قابل‌برگشت و بودجه‌دادن‌های حداقلی با آن حمایت‌های لفظی و شعاری همسان و هم‌ارز نیست.